

**بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی
(شجاع دل، گاندی، ماندلا: راه طولانی به آزادی، درباره چه)**

ایلمیرا ساسانپور^۱

افسانه ادریسی^۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

چکیده

در این مقاله به موضوع بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی، ماندلا: راه طولانی به آزادی، درباره چه) پرداخته می‌شود. جنبش اجتماعی با هدف دگرگونی اجتماعی یا تغییر بخشی از آن اجتماع صورت می‌گیرد و معمولاً زمانی شکل می‌گیرد که شیوه‌ی توزیع قدرت، قوانین جامعه یا تصمیم اتخاذ شده از سوی سیاست‌گذاران و کسانی که در رأس قدرت‌اند نتوانند مسائل عمده‌ی جاری را حل و نیازهای اکثریت اعضای جامعه را برآورده سازند و در این میان سینما ابژه‌های پژوهش جامعه‌شناختی را ابداع، تفسیر و در واقع جامعه را به نمایش می‌گذارند. در این مقاله نویسنده با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس و با نظریه کنش جمعی چارلز تیلی و نظریه تئوری رهبری می‌خواهد به این تحلیل برسد که فیلم‌های سینمایی تا چه حد در بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی مؤثر خواهد بود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بودند که معنایی که در فیلم‌ها بازنمایی شده‌اند نشان می‌دهند: نقش رهبران در جنبش‌های اجتماعی جنبه‌ی حیاتی دارد، آن‌ها مشوق مسئولیت‌پذیری و سازمان‌دهنده‌ی منابع‌اند، فرصت‌ها را باز می‌شناسند و زمینه‌های آن را فراهم می‌آورند، به تدوین استراتژی می‌پردازند، خواست‌ها را مطرح می‌کنند و بر نتایج امور تأثیر می‌گذارند.

واژگان کلیدی: جنبش‌های اجتماعی، بازنمایی، فیلم‌های سینمایی، رهبران جنبش‌های اجتماعی،

نشانه‌شناسی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

elmirasanpour@yahoo.com

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

تاریخ همواره شاهد وقوع کشمکش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و مذهبی میان بخش‌هایی از مردم و دولت‌ها و حاکمان بوده است. اوج این‌گونه کشمکش‌ها وقوع انقلاب‌های لیبرالیستی در انگلستان و سایر انقلاب‌های مشروطه‌خواهی در قرن نوزدهم در کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی است. پس از آن در نتیجه ناکارآمدی نظام‌های سیاسی موجود خیزش‌ها و جنبش‌های هویتی بر محور منازعات ملی، قومی و نژادی شکل گرفت که پیامدهای آن وقوع جنبش‌های فاشیستی و نازیستی و نهایتاً جنگ جهانی دوم است. پس از جنگ جهانی دوم موج جدیدی از جنبش‌های اجتماعی شکل گرفت که کاملاً برعکس جنبش‌های پیشین به دنبال دستیابی به قدرت نبودند و ویژگی این جنبش‌های اجتماعی جدید که از دهه ۱۹۶۰ به وجود آمدند عبارت بود از: عملکرد غیر ابزاری؛ جهت‌گیری آن‌ها به سوی جامعه مدنی و نه دولت؛ توجه آن‌ها به جنبه‌های نظیر فرهنگ، شیوه‌های زندگی و مشارکت در سیاست و اعتراض سمبلیک تا ادعای حقوق اجتماعی و اقتصادی؛ این جنبش‌ها بی‌تردید از گونه جنبش‌های هویت‌گرا بودند که هیچ‌گاه در صدد دستیابی به قدرت برنیامدند. از لحاظ تاریخی مباحث مربوط به جنبش‌های اجتماعی، نخست در نوشته‌های پیرامون رفتار جمعی آورده می‌شد و برخی از متفکران، این دو مفهوم را یکی می‌دانستند، اما جنبش‌های اجتماعی سازمان یافته‌اند و اهداف خاصی را دنبال می‌نمایند. هرچند رفتارهای جمعی و جنبش‌های اجتماعی هر دو واکنش‌هایی جمعی در برابر شرایط مسئله داری هستند، اما جنبش‌های اجتماعی نسبتاً ساختاریافته‌تر و ماندگارتر می‌باشند. بنابراین جنبش‌های اجتماعی عبارت از حرکت سازمان یافته مجموعه‌ای از انسان‌ها، در زمینه‌ای از امکانات و محدودیت‌ها، به دنبال یک رهبر یا مجموعه‌ای از رهبران و همراه با یک ایدئولوژی مشخص است، این حرکت می‌تواند به صورت حرکتی انقلابی برای ایجاد تغییری بنیادی یا حرکتی آرام برای ایجاد تغییری تدریجی باشد (زاهد، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۷).

سرعت و شدت تغییرات اجتماعی منجر به پیدایش طبقات و گروه‌های نوظهور با علائق، پیدایش نظام ارزشی هنجاری جدید، عقلانی‌شدن فرآیندهای اجتماعی و گشودگی فضای اجتماعی ناشی از ارتباط با جوامع دیگر شده و نیروهای اجتماعی جدید که حاملان باورهای جدید برای جامعه هستند مطالبات مدرن را در قالب گفتمان جدید تئوریزه کرده و نظام اجتماعی حاکم را به چالش می‌کشاند. در این چالش گفتمانی اگر نظام سیاسی اجتماعی حاکم بر جامعه نخواهد و یا نتواند همگام با مطالبات جدید اجتماعی شود، آحاد جامعه مجبور می‌شوند نظام اجتماعی را از طریق اشکال گوناگون ناسازگاری به چالش بکشاند. در این شرایط نیروهای اجتماعی با استفاده و ساماندهی نیروها و گروه‌های دیگر به تدریج سایر لایه‌های اجتماعی را با خود همراه و همگام نموده و درصدد گسترش اشکال گوناگون ناسازگاری در لایه‌های پایین جامعه شده تا با فراگیر کردن جنبش ایده‌ها، باورها و مطالبات نوظهور را که در قالب گفتمان‌ها و پارادایم‌های رهبران تئوریزه شده است محقق نمایند (Harvey, 1989: 225).

بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

یکی از عوامل مؤثر در کامیابی و ناکامی یک جنبش نقش رهبری می‌باشد. نقش رهبران در جنبش‌های اجتماعی جنبه حیاتی دارد. آن‌ها مشوق مسئولیت‌پذیری و سازمان‌دهنده منابع‌اند، فرصت‌ها را می‌شناسند و زمینه‌های آن را مطرح می‌کنند، به تدوین استراتژی می‌پردازد، خواست‌ها را مطرح می‌کنند و بر نتایج امور تأثیر می‌گذارند. رهبری سیاسی آن کیفیتی از خلاقیت در چارچوب کنش جمعی محسوب می‌شود و به نوعی محصول کنش متقابل اجتماعی است که یک جامعه و یا جنبش را با درایت و صلاحیت خود از بحران‌ها و پیچ‌های سخت به سلامت بیرون می‌برد. در نظر طرفداران رویکرد بسیج منابع، رهبران کار سالاران سیاسی هستند که منابع را فراهم و سازمان‌هایی را در پاسخ به انگیزه‌ها، مخاطرات و فرصت‌ها بنیان می‌نهند. از این منظر حامیان، کنشگران معقولی هستند که از رهبران کارا پیروی می‌کنند و عواملی چون در دسترس بودن حمایت بیرونی و عملکرد کنترل اجتماعی بر پیدایش رهبریات تأثیر می‌گذارد (Oberschall, 1973: 157).

رهبران صرفاً با مسحور کردن و جذب پیروان خود در جنبش به‌وجود نمی‌آیند؛ بلکه مراحل اولیه به گونه‌ای نمونه‌وار از شرکت بسیار زیاد و گفت‌ووشنود بین شرکت‌کنندگان تکوین می‌یابد که در طی آن حاضران در جنبش به‌لحاظ اجتماعی معنا و مفهومی برای جنبش ایجاد می‌کنند و در پی یافتن ایده‌های جدید هستند. رهبران برای اینکه از این رفتار متقابل اولیه جنبش‌ها را بسیج کنند، چارچوب‌ها، تاکتیک‌ها و ابزار تشکیلاتی ارائه می‌دهند که به‌وجود آوردن یک هویت جمعی و شرکت در کنش جمعی در سطوح گوناگون را برای شرکت‌کنندگان به‌گونه‌ای فعال میسر سازد. رهبران با این عملشان نه‌تنها بر جذابیت و توانایی‌های خود، بلکه بر تجارب پیشین، سنت‌های فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی و شکل‌های سازماندهی شناخته شده اتکا می‌کنند (موریس؛ ستگن بورگ، ۲۰۰۱: ۱۴).

یکی از رسانه‌هایی که در بازتولید اینگونه کلیشه‌ها و القای جنبش‌های اجتماعی نقشی اساسی دارد سینماست. این رسانه در قالب فیلم‌های سینمایی با داستان‌پردازی قوی بر این نکته تأکید دارد که آنچه به مخاطب عرضه می‌کند، واقعیت دارد و مخاطب نزد خود اینگونه فرض می‌کند که آنچه بازنمایی شده است عین واقعیت است. فیلم و سینما عرصه اجتماعی - فرهنگی است و همان‌طور که در فرهنگ جامعه تأثیر می‌پذیرد، بر آن نیز اثر می‌گذارد، در این رابطه‌ای متقابل و دوسویه دارد، از این رو می‌تواند با برجسته کردن مسایل و موانع هر قشر و گروهی از اعضا جامعه نقش مهمی ایفا نماید که هنرمندان بسیاری در هر کشور تکلیف خودشان می‌دانند که با استفاده از این ابزار رسالت ملی و فرهنگی خودشان را انجام دهند و با تولید آثار هنری ارزش‌ها و تاریخ مملکتشان را به نسل‌های بعدی بشناسانند و در درجه بالاتر آن را به جهان معرفی و منتقل کنند.

لذا تحلیل فیلم به‌عنوان یکی از روش‌های شناخت جنبش‌های اجتماعی می‌تواند مفید باشد. در علم ارتباطات و مطالعات رسانه، بازنمایی به معنای نوشته‌ها، تصاویر، داستان‌ها و اصوات و گفتارهایی است

که ایده‌ها، احساسات و موارد دیگری از این دست را نشان می‌دهند. بازنمایی‌ها با استفاده از تلقی‌ات و نشانه‌های موجود در یک فرهنگ و بر مبنای تقابل‌های تعریف شده در سیستم زبانی و معرفتی آن فرهنگ، عمل می‌کنند. بازنمایی‌ها فرم‌هایی عینی و دال‌هایی هستند که بازنماینده و نمایانگر ایده‌ها و مفاهیم انتزاعی‌اند و به عبارت دیگر بر آن‌ها دلالت می‌کنند. بازنمایی بخشی اساسی از فرایندی است که به وسیله آن معنی بین اعضای یک فرهنگ تولید و مبادله می‌شود که شامل استفاده از زبان علائم و تصاویری است که اشیاء را بازنمایی می‌نمایند.

در این پژوهش ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع‌دل، گاندی، ماندلا: راه طولانی به آزادی، درباره چه) تحلیل خواهد شد. برای این منظور با تحلیل محتوای کیفی فیلم‌های سینمایی و با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس و با نظریه کنش جمعی چارلز تیلی و نظریه تئوری رهبری مقوله‌های مهم و مفاهیم کلیدی استخراج می‌گردد. و می‌خواهد به این تحلیل برسد که فیلم‌های سینمایی تا چه حد در بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی مؤثر خواهد بود. لذا سؤال اصلی پژوهش اینست که بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع‌دل، گاندی، ماندلا: راه طولانی به آزادی، درباره چه) چگونه بوده است؟

مرور مبانی نظری و تجربی پژوهش به تبیین مناسب یافته‌ها کمک می‌کند. در زیر به برخی از پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه اشاره می‌شود:

سهرابی، (۱۳۹۱) در تحقیقی به «تأثیر فضاهای مجازی بر شکل‌گیری و کارکردهای جنبش‌های نوین اجتماعی» پرداخته است. یافته پژوهش به این صورت می‌باشد که: ظهور فن‌آوری‌های جدید، تغییرات در شیوه زندگی و ارتباطات اجتماعی به دنبال داشته است. ماهیت جنبش‌های اجتماعی هم که از بطن جوامع شکل می‌گیرد نیز متحول شده است. با پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی، جنبش‌های نوین اجتماعی از این فن‌آوری‌ها بهره گرفتند که در این میان اینترنت نقش ویژه‌ای پیدا کرده است. استفاده جنبش‌ها از اینترنت، بیشتر موجبات تغییرات در شیوه فعالیت‌های آن‌ها را به وجود آورده است.

بحرینی (۱۳۸۹)، تحقیق خود را با عنوان «تحلیل آثار سینمایی ابراهیم حاتمی‌کیا با تأکید بر بازنمایی جنبه‌های آسیب‌زا و تروماتیک تجربه جنگ» انجام داده است. یافته‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد که وی در آثارش، در عین تأکید بر تحمیلی بودن این جنگ و اذعان به جنبه‌های ارزشی آن، به نقد گفتمان رسمی از جنگ که بازنمایی شکوه حماسه و دفاع در جنگ، موضوع محوری آن بوده و به تبعات جنگ به گونه‌ای در خور نمی‌پردازد، پرداخته و از منظر گفتمان بازاندیشانه به جنگ و تبعات آن نگاه کرده است. رضوانیان (۱۳۹۱) تحقیق خود را با عنوان «تأثیر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی بر حوزه عمومی مطالعه موردی: جنبش اجتماعی» انجام داده است. این پایان‌نامه پیرامون این پرسش اساسی

تنظیم شده است که تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به‌ویژه اینترنت و قابلیت‌های آن چه تأثیری بر حوزه عمومی داشته‌اند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد با ظهور و گسترش فناوری‌های ارتباطی در حوزه عمومی - که در اندیشه مدرن عرصه‌ای منسجم و یکپارچه به‌عنوان پشتوانه و حامی سیستم سیاسی تلقی می‌شد - شاهد تعدد و تنوعی از گروه‌ها، مذاهب، جنبش‌ها، هویت‌ها و فرهنگ‌ها و اقوام در سطوح فراملی و جهانی هستیم. ضمن این که اینترنت و قابلیت‌های آن از جمله توسعه شبکه‌های اجتماعی تا حد زیادی در ایجاد انسجام درون‌جنبشی بین اعضا و رهبران جنبش‌های نوین اجتماعی، ایجاد ائتلاف بین جنبش‌ها، گسترش اعتراض‌ها در محیط اینترنتی و محیط و در نهایت جهانی کردن اعتراض‌های ملی و محلی تأثیرگذار بوده است.

نپستاد و باب (۲۰۰۶) در تحقیق خود به بررسی «هنگامی که رهبران اهمیت می‌دهند؟ فرضیه‌های دینامیک رهبری در جنبش‌های اجتماعی» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که: رهبران به جنبش‌های اجتماعی متمرکز هستند، اما محققان به درک مفهوم رهبری یا تأثیر آن در جنبش‌ها نسبتاً کمی توجه داده‌اند. در این مقاله، نفوذ رهبری در پویایی جنبش را بررسی می‌کنیم، با بررسی جنبش برای زنده ماندن مردم اوگونی (MOSOP)، جنبش پلاست هاریک الهام گرفته از چپ کاتولیک، قیام زاپاتیستا در چیپاپاس، مکزیک و جنبش آزادی در السالوادور. ما بر اساس بورديو، پوتنام و ادبیات موجود در مورد رهبری جنبش اجتماعی، با استدلال می‌پردازیم که رهبران این جنبش‌ها دارای «سرمایه رهبری» هستند که دارای مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین هستند. ما پس از آن توجه خود را به شرایطی که تحت آن سرمایه رهبری بر سه فرایند کلیدی در توسعه جنبش تأثیر می‌گذارد توجه می‌کنیم: بسیج احزاب آسیب‌دیده، فعال‌سازی طرفداران ثالث و پاسخ به سرکوب. ما با فراخوان برای بررسی جامع، سیستماتیک و مقایسه‌ای از عوامل مؤثر بر رهبری در جنبش‌های داخلی و بین‌المللی نتیجه‌گیری می‌کنیم.

نیل ساترلند، کریستوفر لند، استفن بوهم (۲۰۱۳) در تحقیق خود به بررسی «ضد رهبران در سازمان‌های جنبش اجتماعی: مورد گروه‌های مردمی مستقل» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که: از طریق بهار عربی و جنبش اشغال، ایده سازمان افقی و رهبری به رسانه‌های جمعی توجه شده است. در این مقاله، با استفاده از یک مطالعه تجربی چهار سازمان اجتماعی جنبش اجتماعی (SMOs)، گزینه‌هایی را دی‌کال، دموکراتیک و دموکراتیک برای رهبری می‌کنیم. علاوه بر این، ما همچنین توجه به شیوه‌های سازمانی و فرایندهای توسعه‌یافته به‌منظور: الف) ممنوعیت افراد از دائمی بودن نقش رهبری؛ ب) توزیع مهارت‌های رهبری و نقش؛ و ج) تشویق سایر بازیگران برای شرکت در این نقش‌ها را در آینده به‌کار گیرند. ما نتیجه می‌گیریم که فقط به این دلیل که یک سازمان بدون رهبری است، لزوماً به معنای آن نیست که رهبری نیز غیرممکن است.

مطالعه‌ی حاضر ضمن ارج نهادن به پژوهش‌های پیشین به شیوه‌ای متمایز به بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع‌دل، گاندی، ماندلا: راه طولانی به آزادی، درباره چه) می‌پردازد.

چارلز تیلی^۱ از جمله نظریه‌پردازان تأثیرگذار در زمینه مطالعات جنبش‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید. نظریه جنبش‌های اجتماعی تیلی ذیل عنوان نظریه‌های تعارض سیاسی که خود تحت نظریه‌های تعارض سیاسی سازماندهی و بسیج منابع قرار دارد، دسته‌بندی می‌شود. تیلی نقطه عزیمت نظری خود را مفهوم کنش جمعی قرار می‌دهد و آن را عبارت می‌داند از «کنش مردم با هم در تعقیب منافع مشترک». کنش جمعی از دید وی ناشی از ترکیب‌های متنوع و متحول منافع، بسیج و فرصت است (تیلی، ۱۳۸۹: به تلخیص از ۱۶-۱۲). خطوط تحلیلی‌ای که او دنبال می‌کند، از سازمان تا بسیج تا کنش جمعی تا انقلاب است (Tilly, 1978: 7). تیلی، برای توضیح کنش جمعی از الگوی بسیج استفاده می‌کند. عناصر این الگو عبارتند از: منافع، سازمان، بسیج، فرصت، و کنش جمعی. منافع، مجموعه امتیازات و محرومیت‌های مشترکی است که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها بر جمعیت مورد بحث وارد آید. سازمان، میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش افراد در درون یک جمعیت است. بسیج، میزان منابعی است که تحت کنترل جمعی یک مدعی قرار دارد. کنش جمعی، میزان اقدامات جمعی یک مدعی در جهت نیل به هدف مشخصی است. و فرصت، رابطه میان منافع جمعیت و وضعیت جهان اطراف است به عقیده وی، «عناصر عمده تعیین‌کننده بسیج یک گروه، سازمان آن، منافع آن در تعاملات ممکن با دیگر مدعیان، فرصت یا تهدید کنونی آن تعاملات و در معرض سرکوب بودن گروه هستند» (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵-۱۰۴).

تیلی معتقد است که واژه بسیج به شکل متعارف معرفی‌کننده فرایندی است که به‌واسطه آن گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد به مشارکت‌کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود. به بیان دیگر، بسیج یعنی گردآوری منابع (انسانی و مادی) برای استفاده و عمل جمعی. تیلی از سه شکل بسیج نام می‌برد: یکم، بسیج تدافعی، دوم، بسیج تهاجمی، و سوم، بسیج تدارکی. (همان: ۱۰۴-۱۱۳). سپس تیلی کنش‌های جمعی را که از سوی گروه‌های اجتماعی به‌عمل می‌آید به سه نوع تقسیم می‌کند:

۱- کنش رقابتی: نوعی کنش ابتدایی است که از سوی یک گروه به‌منظور به‌دست گرفتن امکانات یک گروه دیگر صورت می‌گیرد. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند شکل خشونت‌های جمعی ابتدایی را به خود می‌گیرند (نظیر ایجاد درگیری در گردهمایی‌ها) و اگر از سوی گروه‌های سازمان‌یافته باشند، به‌صورت میتینگ و راهپیمایی ظاهر می‌شود.

1- Charles Tilly

بازنمایی و ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

۲- کنش جمعی واکنشی یا تدافعی: این نوع کنش از سوی گروه‌هایی صورت می‌گیرد که منابع آن‌ها توسط گروه‌های دیگر تهدید شده است. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند، معمولاً به صورت شورش‌های خودانگیخته و محلی ظاهر می‌شوند و اگر از سوی گروه‌های سازمان‌یافته باشند به صورت سرکوب‌های سازمان‌یافته وسیع جلوه می‌کند.

۳- کنش جمعی پیش‌قدمانه یا تهاجمی: این نوع واکنش از سوی گروه‌های معارضه‌جو به منظور ورود به هیأت حاکمه یا دولت صورت می‌گیرد. در صورتی که این نوع کنش‌ها خشونت‌آمیز شوند، اگر از سوی گروه‌های جماعتی باشند به صورت نهضت‌های تجدید حیات ظاهر می‌شود و اگر از سوی گروه‌های سازمان‌یافته باشند حیات تهاجمی به خود می‌گیرند (همان: ۵۷). به نظر تیلی، با افزایش تهدید (و نه فرصت) احتمال شکل‌گیری کنش جمعی بیشتر می‌شود و با سازمان‌دهی و تشکل بیشتر، امکان جذب منابع برای گروه‌های مدعی قدرت افزایش می‌یابد و با تحدید گستره کنش و افزایش قدرت گروه، از احتمال سرکوب کاسته می‌شود (محمد کریمی، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

تیلی توان جنبش‌های اجتماعی را متشکل از ترکیبی با عنوان تجلیات می‌داند که از ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد تشکیل‌یافته است. در صورتی که این ترکیب به صفر برسد، توان جنبش نیز صفر خواهد شد و جنبش اعتبار خود را از دست خواهد داد. تیلی ویژگی جنبش‌های جدید را استفاده از رسانه‌های ارتباطی جدیدتر مانند تلویزیون، رادیو و در دوره‌های اخیر، موبایل می‌داند.

جنبش‌های اجتماعی سه نوع ادعا را با هم ترکیب می‌کنند: برنامه، هویت و جایگاه (اعتبار). ادعاهای مربوط به برنامه دربردارنده‌ی حمایت یا مخالفت درخصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش است. ادعاهای مربوط به هویت دربردارنده‌ی تأکید بر این مطلب است که «ما» - مدعیان - نیرویی واحد را تشکیل می‌دهیم و باید ما را متحد در نظر بگیرید. اقدامات تجلیات (ارزش‌مندی، وحدت، تعداد، و تعهد) ادعاهای مربوط به هویت را مورد حمایت خود قرار می‌دهند. ادعاهای مربوط به جایگاه بر پیوندها و تشابهات [کنشگران جنبش] با دیگر کنشگران سیاسی، مانند اقلیت‌های محروم، گروه‌های شهروندی به‌خوبی شکل یافته، یا حامیان وفادار رژیم، تأکید دارند (تیلی، ۱۳۸۹: ۳۰-۲۷).

از دیگر نظریه‌پردازانی که در مورد جنبش‌های اجتماعی و در حوزه کنش جمعی نظریه‌پردازی کرده می‌توان هربرت بلومر را نام برد. هربرت بلومر در مطالعه جنبش‌های اجتماعی نقطه عزیمت خود را «رفتار جمعی» قرار می‌دهد و آن را در معنایی وسیع، فعالیتی گروهی همراه با نوعی تقسیم کار تلقی می‌کند که به علت فهم و انتظارات مشترک انسان‌ها در میان آن‌ها شکل می‌گیرد. وی تقسیم‌بندی خاصی را نیز از گروه‌بندی‌های جمعی (جماعت، توده و عامه) ارائه می‌کند که در شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی مؤثرند. اهمیت ظهور این گروه‌ها در آن است که حاکی از فرایند تغییر اجتماعی هستند. به اعتقاد بلومر این گروه‌های اولیه هستند که در صورت طرح یک «نظم جدید زندگی» می‌توانند زمینه‌ساز

شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی شوند. بلومر در کل، جنبش‌های اجتماعی را سه نوع می‌داند: عام، خاص، و بیانی. بلومر، چهار مرحله را در چرخه‌های حیات جنبش‌های اجتماعی مشخص می‌کند: نخست، مرحله «هیجان جمعی» که شامل تبلیغات سازمان‌نیافته و غیرمتمرکز است؛ مرحله دوم، «برانگیختگی مردمی» است که دلایل نارضایتی و اهداف مشخص‌تر شده است؛ مرحله سوم، فرایند «رسمی‌شدن» جنبش از طریق هماهنگی سازمانی و تدوین استراتژی است؛ و مرحله چهارم، «نهادینه شدن» جنبش در ساختار اجتماعی موجود است (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۳: ۲۱۳).

از دیگر نظریه‌پردازان مطرح در حوزه جنبش‌های اجتماعی می‌توان سیدنی تارو را نام برد. سیدنی تارو استدلال می‌کند که جنبش‌های اجتماعی به‌طور فردی رخ نمی‌نمایند بلکه بخشی از یک موج عمومی ناآرامی اجتماعی هستند که عموماً به‌وسیله بعضی از وقایع پیش‌بینی‌ناپذیر تسریع می‌گردند و به‌وسیله تغییر در ساختار فرصت‌های سیاسی تسهیل می‌شوند. وی در تشریح این فرایند از مفهوم «دوره‌های اعتراض^۱» استفاده می‌کند. به اعتقاد تارو، اگر از دور به هر یک از امواج عمل جمعی نگاه کنیم نمایانگر یک مخروط هستند، یعنی از یک منازعه نهادی شروع می‌شوند، به اوج شور و حرارت می‌رسند و به فروکش‌نهایی ختم می‌شوند. اقدامات جمعی پس از جلب توجه ملی و پاسخ دولت، به مرحله اوج منازعه می‌رسند، که ویژگی این مرحله وجود سازمان‌دهندگان جنبش است که سعی در کشاندن شورش‌ها به طیف‌های گسترده‌تری از مردم دارند. هنگامی که مشارکت به کانال سازمان‌ها کشیده می‌شود جنبش‌ها یا بخشی از آن‌ها منطبق سیاسی‌تری پیدا می‌کنند و به چانه‌زنی ضمنی با دستگاه‌ها وارد می‌شوند. در نهایت هنگامی که چرخه اعتراض فروکش می‌کند ابتکار عمل به‌دست نخبگان و احزاب می‌افتد (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۳: ۲۷۰-۲۷۱). در واقع، چرخه‌های اعتراض با برهه‌های شدت عمل جمعی همزمان هستند، اما باید توجه داشت که پایان هر چرخه اعتراض به معنی پایان کار جنبش نیست، بلکه در دوره زوال چرخه‌های اعتراض، سازمان‌های جنبش رویکردی معتدل‌تر و بلندمدتی را اتخاذ می‌کنند که منجر به قدرتمندشدن آن‌ها برای آغاز چرخه اعتراضی جدیدی در آینده می‌شود (نش، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

سیدنی تارو جنبش‌های اجتماعی را در عرصه وسیع سیاست‌های مخالف، در ارتباط با دولت‌ها، احزاب سیاسی و بازیگران دیگر قرار می‌دهد. از دهقانان و کمونیست‌ها در دهه ۱۹۶۰، به حرکات و سیاست در سیاست‌های معاصر غرب، به جنبش عدالت جهانی در قرن جدید، که بازیگران متضاد نه در خارج از سیاست و نه کاملاً در سیاست، بلکه در قلمرو نااطمینانی بین کل مخالفت و ادغام در سیاست هستند (Sidney, 2012).

1- Protest courses

بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

جنبش‌های اجتماعی، اختلافات قومی، ملی‌گرایی و حقوق مدنی و جنبش‌های فراملیتی: این‌گونه سیاست‌های مخالف در سیاست‌های متضاد چارلز تیلی و سیدنی تارو ترکیب شده است. سیاست متضاد به‌عنوان تعاملی است که در آن بازیگران ادعا می‌کنند که که منافع دیگر بازیگران منجر به تلاش‌های هماهنگ‌شده از سوی منافع مشترک یا برنامه‌ها می‌شود. سیاست‌های متضاد استفاده از تکنیک‌ها مخرب برای ایجاد یک نقطه سیاسی و یا تغییر سیاست دولت است. نمونه‌هایی از این تکنیک‌ها اقداماتی هستند که فعالیت‌های عادی جامعه مانند تظاهرات، اعتراضات عمومی، شورش، نافرمانی مدنی را مختل می‌کند. سیاست‌های متضاد همیشه وجود داشته است، اما شکل آن در طول زمان و فضا متفاوت است.

این دو نظریه‌پرداز به‌طور صریح ساختار فرصت سیاسی را در یک رژیم خاص را در مرکز هر تحلیلی یا پیش‌بینی‌های سیاسی قرار می‌دهند. انواع رژیم‌ها از محور ظرفیت و دموکراسی برای طبقه‌بندی رژیم استفاده می‌کنند. ظرفیت اشاره به توانایی دولت برای تنظیم زندگی، اقدامات و منابع موجود برای جمعیت در سرزمین آن است و دموکراسی به‌منظور تعریف حقوق و حمایت‌هایی که شهروندان در برابر قدرت نخبگان از آن استفاده می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین هنگامی که ظرفیت و دموکراسی تقاطع می‌شوند، آن‌ها نتایج خاصی را تولید می‌کنند، بطوریکه رژیم‌های دموکراتیک با ظرفیت بالا، یک پدیده مدرن و غیرمعمول هستند که در آن جنبش‌های اجتماعی شایع‌تر هستند (Charles Tilly, 2015).

از آنجایی که این پژوهش به ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی پرداخته است از نظریه‌های ماکس وبر نیز استفاده شده است. از نظر ماکس وبر که سه نوع مشروعیت (اقتدار یا سلطه) سنتی، کاریزمایی و عقلانی را مطرح کرد، واژه کاریزما به ویژگی خاصی از شخصیت فرد نسبت داده می‌شود که به صرف آن او از افراد معمولی متمایز می‌گردد و با او چنان برخورد می‌شود که گویی دارای نیروی مافوق طبیعی، مافوق انسانی و یا دست کم به‌طور خاص دارای قدرت و کیفیتی استثنایی است که در دسترسی فرد معمولی نمی‌باشد، بلکه دارای منشأ الهی یا مثالی تصور می‌گردند و بر این اساس فرد، رهبر می‌شود (کرایب، ۱۳۸۲: ۲۳۱). ماکس وبر به موازات نوع‌بندی انواع کنش‌ها به تقسیم انواع اقتدار و سلطه پرداخت. او از سه نوع اقتدار هم‌تراز با سه نوع از کنش‌های یاد شده نام می‌برد.

اول، اقتدار عقلانی و بوروکراتیک. این نوع از اقتدار در جامعه‌ای شکل نهادینه به خود می‌گیرد که رفتارهای عقلانی معطوف به هدف در آن گسترش یافته باشد.

دوم، اقتدار کاریزماتیک و فرهمندانه؛ که از کنش عاطفی جامعه نسبت به یک فرد خاص پدید می‌آید. در مرکز این اقتدار شخصی است که در موضع یک قهرمان و یا فرد مقدس قرار می‌گیرد. سلطه فرهمندانه امری خارق‌عادت می‌باشد و همراهی جامعه با آن، به شخصیت استثنایی رهبر باز می‌گردد.

سوم، اقتدار سنتی است. در اقتدار سنتی کنش‌های مبتنی بر عادات و رسوم نقش اصلی را ایفا می‌کنند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۳).

روش

در حوزه‌ی روش تحلیل، این مقاله از مفهوم بازنمایی بهره جسته است. این مفهوم در مطالعات فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و معمولاً «بازنمایی» را معناسازی از طریق به‌کارگیری نشانه‌ها و مفاهیم و استفاده از یک چیز به‌جای چیز دیگر با هدف انتقال معنا تعریف می‌کنند. معنا به‌صورت اجتماعی و از طریق نظام‌های نشانه‌شناختی و ایدئولوژیک زبان ساخته می‌شود. «این ما هستیم که با استفاده از نظام‌های بازنمایی یعنی نظام مفاهیم و نظام زبان به برساخت معنا همّت می‌گماریم. میدان سینمایی به‌طور عامّ و سینمای زن به‌طور خاصّ، ترکیبی از عناصر، نشانه‌ها، مفاهیم و نمادها را شامل می‌شود که هرکدام بیانگر یا به‌عبارتی بازنمایی‌کننده‌ی بُعدی از ابعادی از نقش رهبری در جنبش‌ها است» (محمدپور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۲۱). با توجه به موضوع و روش پژوهش نمونه‌گیری ما در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند همگون است. در این پژوهش فیلم‌های ساخته‌شده با مضامین ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. فیلم‌های منتخب تحقیق حاضر، جز ۲۵۰ فیلم برتر تاریخ سینما در مورد جنبش‌های اجتماعی می‌باشد که بانک اطلاعات اینترنتی فیلم‌ها معرفی کرده است. در این پژوهش ما از رویکرد تحقیق کیفی استفاده کرده و با بهره‌گیری از روش نظری بازنمایی به این تحلیل می‌رسیم که «فیلم‌های سینمایی» تا چه حد در بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی مؤثر خواهد بود. در رویکرد تحقیق کیفی ما با استفاده از روش نشانه‌شناسی «چالز سندرس پیرس» به نشانه‌شناسی فیلم‌های «جنبش‌های اجتماعی» خواهیم پرداخت. تکنیک در پژوهش حاضر، نشانه‌شناسی می‌باشد. نشانه‌شناسی بر این فرض استوار است که هر پدیده یک نظام زیربنایی متناظر دارد که خاص بودگی و فهم‌پذیری آن پدیده را رقم می‌زند. بدون شک در روند نمونه‌گیری با توجه به روش نشانه‌شناسی پیرس که باید بر ۳ عنصر اصلی «۱- نمایه ۲- شمایل ۳- نماد» متکی باشد فیلم‌های مورد نظر خود را انتخاب می‌کنیم.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاصل از هر کدام از فیلم‌های شجاع‌دل، گاندی، ماندلا: راه طولانی به آزادی، درباره چه، به شرح ذیل می‌باشد:

نشانه‌شناسی فیلم شجاع‌دل؛ ویلیام والاس در سال ۱۲۷۶ در روستای ایرشایر در اسکاتلند
به‌دنیای آمد دوران کودکی خود را با کینه انگلیسی‌ها گذراند و بزرگ شد. مطابق افسانه‌های محلی ایر شایر

بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

والاس اولین بار بر سر ماهیگیری با سربازان انگلیسی درگیر شد و دو تن از نظامیان انگلیسی را به قتل رساند و مقامات انگلیسی بلافاصله دستور دستگیری او را صادر کردند. که این ناشی از کینه عمیق والاس از انگلیسی‌هایی می‌دانستند که در سال ۱۲۹۱ پدر و برادر بزرگ‌تر او را کشته بودند. کشته شدن نامزد والاس به دست انگلیسی‌ها خشم والاس را برمی‌انگیزد. در ۱۱ سپتامبر ۱۲۹۷ والاس در نبرد «استرلینگ بریج» به پیروزی وسیعی دست یافت، یک سال بعد در نبردی دیگر «والاس» با تکیه بر هوش سرشار خود از دام ارتش انگلستان به سلامت گریخت. در این زمان اختلاف وسیعی بین سران نیروهای انقلابی درگرفته بود و سپتامبر همان سال «والاس» تصمیم به استعفا و سپردن سکان به «رابرت بروس» گرفت. او پس از استعفا به فعالیت‌های صلح‌طلبانه پرداخت. در ۵ اوت ۱۳۰۵ «سر ویلیام والاس» به دست شوالیه‌ای به نام «ژان دومنته» دستگیر و به اردوگاه سربازان انگلیسی در منطقه‌ای نزدیک شهر گلاسکو منتقل شد. او طی محاکمه‌ای مجرم شناخته شد و به مرگ با چوبه‌دار محکوم شد که با مخالفت «والاس» مواجه شد و ترجیح داد با گیوتین اعدام شود. پس از آنکه سر او را از بدنش جدا کردند پیکر او را قطعه‌قطعه کردند و هر قطعه را به گوشه‌ای از خاک اسکاتلند بردند تا مایه عبرت سایر انقلابیون شود.

جدول شماره (۱): عوامل مؤثر بر کنش مشارکتی خیرین نظام سلامت ایران

| عوامل زمینه‌ای | | عوامل مؤثر بر کنش مشارکتی خیرین نظام سلامت ایران |
|----------------------------------|--|--|
| داوطلبانه بودن | | |
| پیشینه نیکوکاری | | |
| محل زندگی و تولد | | |
| تحصیلات | | |
| جنسیت | | |
| سن | | |
| قومیت | | |
| تجربه و احساس خوش آیند | | |
| ایدئولوژی و باورهای دینی | | |
| اعتماد و تعهد اجتماعی | | |
| ساختارهای مشارکتی | | |
| هنجارهای فرهنگی | | |
| همدلی و تعلق | | |
| اعتماد به کارگزاران | | |
| آگاهی اجتماعی | | |
| حمایت و رضایتمندی اجتماعی | | |
| امنیت اجتماعی | | |
| رقابت و احترام | | |
| رسانه جمعی | | |
| شبکه اجتماعی | | |
| شیوه‌های نوین دریافت مشارکت مالی | | |
| منزلت و طبقه شغلی | | |
| مشوق‌های مالی | | |
| درآمد | | |
| پایگاه اقتصادی | | |
| امنیت اقتصادی | | |
| منابع مادی | | |

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره شصت و هشتم، بهار ۱۴۰۰

جدول شماره (۲): نشانه‌شناسی فیلم شجاع‌دل

| نام فیلم: شجاع‌دل | ویژگی‌ها |
|---|---|
| نشانه‌شناسی (نمابه، شامل، نماد) | |
| بیرون کردن انگلیسی‌ها، پایان دادن به قتل و جنایت و تجاوز، پایان دادن به سیاست‌های نژادپرستانه انگلیسی‌ها، هوسبازی، اخراج تمام و کمال انگلیسی‌ها | مشخص بودن اهداف |
| خارج کردن اسکاتلند از بوغ انگلیسی با مبارزه، اتحاد سر تاسری و مرگ برای درست زندگی کردن و آزادی | داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان یافته برای موقعیت‌های عادلانه‌تر |
| استقلال‌طلبی، آزادی و جاودانگی | داشتن ایدئولوژی |
| ویلیام در صدر قرار دارد و لی بسیار ساده و بی‌آلایش، شجاع و دلیرانه، اسطوره‌ها را به سخره می‌گیرد، مردم را بگریزاند، متحد و یکمدا می‌خواهد. در صحنه‌ای از فیلم از اسب پیاده شده اسب را هو می‌کند و به مردم پیاده می‌پیوندد و پیش از همه می‌جنگد، مردم به صورت خودجوش و داوطلبانه به او می‌پیوندند. مردمان سایر قبائل به صورت خودجوش به او می‌پیوندند و گسترش می‌یابند. | ساختار و نحوه سازماندهی حرکات خودجوش و غیررسمی |
| افراد تک تک و داوطلبانه به او می‌پیوندند و سلسله مراتب سازمانی در کار نیست | عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره |
| مبارزه با شاه انگلیسی، سربازان، خان‌ها، داروغه و اجراکنندگان فرامون انگلیس خصوصاً شب اول ازدواج که همسران برای خان‌ها بودند | حرفان واقعی یا تصنیی برای ترویج و رشد جنبش |
| همه ما فرزندان اسکاتلند هستیم | هویت ما محور |
| در تمام فیلم حضور انگلیسی‌ها تحمل نمی‌شود خصوصاً پس از آغاز مبارزه ویلیام. تغییر و آزادی بهتر از مرگ جنگ و درگیری و مبارزه در مقابل قتل و غارت و تجاوز انگلیسی‌ها | نهی وضع موجود |
| حق آزادی و تجاوز علنی مأموران در امور زندگی شخصی تا سرحد شب اول ازدواج که همسرانشان باید با خان‌ها همبستر شوند | مخالفت با رفتارهای خشونت آمیز |
| اکثریت روستاییان به جنبش پیوسته و با گوشت و پوست و خون در جهت تحقق اهداف جنبش فعالیت می‌کنند | محرومیت نسبی |
| درگیری خشونت آمیز ویلیام و اهالی دهکده با مأموران حکومتی در برخی موارد ظلم تحمل می‌شود ویلیام کنار می‌کشد. ویلیام کنار کشیده و زندگی شخصی خود را دارد. | اکثریت عمل می‌کنند |
| ایرلندی‌ها و سایر قبائل و گروه‌های نادیده گرفته شده و حاشیه‌ای به جنبش می‌پیوندند. | گاه تهاجمی و گاه تدافعی (جنبش اقلیت) |
| حضور زنان جریان جنبش را متعادل تر و آرام تر می‌کند. عروس شاه انگلیسی نماد عشق، دوستی، وفاداری و درستی و ستایگر نام مردانگی و صداقت ویلیام است. | فعالیت گسترده گروه‌های حاشیه‌ای |
| حتی در برخی موارد تازه‌واردها (مثلاً ایرلندی‌ها) نقش فعالی دارند و سلسله مراتب متفاوت است. روابط غیررسمی و خودمانی و بسیار صمیمی از در برخی صحنه‌ها ویلیام به عنوان نفر اول جنبش از دوستان دیگر دلسوزانه کمک می‌خورد. | با حضور زنان گرایش غیرمسلحانه آن بیشتر می‌شود |
| ویلیام تصمیم به مشاوره، مذاکره خیرخواهانه و تصمیم به سازش خان‌ها را به سخره می‌گیرد و شجاعانه و ساختار شکنانه جنگ به راه می‌اندازد. | ساختاری متفاوت از ساختارهای سلسله مراتبی متعارف |
| ویلیام با شعار و حرکات بومی و سنتی - اسکاتلندی خود مردم را به تبعیت و تکرار حرکات آشنا و حمایتگرانه دعوت می‌کند و به نحوی تأیید و بیعت می‌گیرد. مردم با حالات سنتی و آشنا برای همه جواب می‌دهند. | بازنگری در قواعد رایج بازی سیاسی |
| جنبش ویلیام بسیار رادیکال است و سخت ناسازگار و براندازنده. به هیچ عنوان سازش نمی‌پذیرد. به هیچ عنوان تطمیع نمی‌شود. همه می‌میرند اما همه نمی‌توانند درست زندگی کنند. | اکتای فرآیندها به قواعد بازی قدرت اجتماعی با رویکرد مدنی دموکراتیک |
| همه به اتحاد تحت رهبری ویلیام به عنوان محلی برای حق مبارزه و آزادیخواهی می‌پیوندند. قبائل و دسته‌ها یکی پس از دیگری به ویلیام می‌پیوندند. | جنبش رادیکال |
| جنبش اسکاتلند کمترین حضور انگلیسی‌ها را نمی‌پذیرد. اتحاد همه را می‌خواهد. ویلیام در صحنه‌ای از فیلم از خان‌ها می‌خواهد و التماسشان می‌کند که متحد شوند و اگر شوند کار تمام است و به تمام خواسته‌های صد سال گذشته‌شان خواهند رسید. | ایجاد انجمن‌ها و ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص، |
| جسارت ویلیام به صورت همگانی و بسیار صمیمی بر گزار می‌شود و همه بی‌پروا و آزادانه حق شرکت دارند. | کسب قدرت برتر به منظور غلبه و بهره‌مندی از امکانات بیشتر، موقعیت بهتر و یا دفع سلطه |
| چهره‌های رنگی، لباس‌های بومی رزم، حرکات مخصوص تخریب دشمن و به سخره گرفتن و هیچ انگاشتن عظمت و قدرت نیروی سپاه انگلیسی‌ها. | میتینگ‌های عمومی، |
| جلسات شبانه باروستاییان و تلاش برای افزایش بیش از پیش اعضاء و گسترش حوزه فعالیت جنبش. | رژه‌های رسمی |
| گرفتن ویلیام و زندانی کردن او توسط مأموران دولت بخاطر شورش کردن و برهم زدن اوضاع، درگیری رودرو و جنگ با شمشیر. | شب‌زنده‌داری‌ها، |
| تلاش عمومی پایداری و سازمان یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات هدف. | کنش تهاجمی |
| ارزش قابل شدن مزدوران دولت به حرف‌های روستاییان، مورد قبول شدن ویلیام به عنوان رهبر جنبش در بین مردم، تبدیل شدن ویلیام به چهره‌ی برجسته و ملی | پوش |
| مقاومت در مقابل سرکوب؛ از خودگذشتگی، اعلام همبستگی و حمایت مردم از ویلیام | ارزشمندی |
| حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش | تعهد |
| مذمتیان (روستاییان) نیرویی واحد را تشکیل دادند و با یکدیگر متحد شدند. | برنامه |
| تأکید بر پیوندها و تشابهات کشتگران جنبش ویلیام با دیگر کشتگران سیاسی | هویت |
| هر کس باید در مقابل ظلم ایستادگی کند، آزادی و استقلال داشته باشد، حتی اگر در این راه جانش را هم از دست بدهد باید مقاومت کرده و مردم را آگاه نماید. | جایگاه |
| | پیامدهای جنبش |

بازنمایی و ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

نشانه‌شناسی فیلم گاندی؛ گاندی فیلمی زندگینامه‌ای درباره‌ی زندگی ماهاتما گاندی، رهبر جنبش مقاومت بدون خشونت هند در زمان استعمار توسط بریتانیا در نیمه اول قرن بیستم، است. در این فیلم گاندی، علیه استعمار انگلستان قیام کرده و می‌کوشد تا با متحد کردن مردم و یکپارچگی کشور، استعمار انگلستان را پایان دهد و در نهایت موفق می‌شود هندوستان را به استقلال برساند. داستان اصلی فیلم از زمانی شروع می‌شود که گاندی در آفریقای جنوبی است و با اینکه وکیل است و بلیط درجه‌ی یک قطار دارد در میان راه او را از قطار بیرون می‌اندازند، اتفاقی که برای تمام هندی‌ها می‌افتاد اما کسی به این وضع اعتراضی نداشت. حتی مسلمان هندی تاجری که در آفریقای جنوبی دارای ثروت هنگفتی بود از این مسئله ناراحت نبود، بعد از صحبت‌های گاندی این تاجر مسئولیت و ساپورت مالی و امکاناتی گاندی را برای یک جنگ به قول خود گاندی به عهده می‌گیرد. در ابتدای حرکت آن‌ها گذرنامه‌هایشان را می‌سوزانند که باعث تمایز بین هندی‌ها و انگلیسی‌ها بود، و همین امر نیز باعث مشهور شدن گاندی و به راه انداختن جنبش او شد.

جدول شماره (۳): نشانه‌شناسی فیلم گاندی

| ویژگی‌ها | نام فیلم: گاندی |
|---|---|
| | نشانه‌شناسی (نمایه، شمایل، نماد) |
| مشخص بودن اهداف | تلاش برای عضوگیری، افزایش متحدان از طریق سخنرانی‌ها، تلاش برای کسب قدرت از طریق یارگیری، چانه‌زنی و بحث برابری، حق خواهی محتمل تر، کسب قدرت بازدارندگی، ایجاد رابطه با دوستان خود، هدف او آزادی هند بود. استراتژی او صلح و مسالمت بود و سلاح او انسانیت بود. |
| داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان یافته برای موفقیت‌های عادلانه تر | جلسات متعدد، هندوها نمی‌توانند در وسایط نقلیه درجه یک سوار شوند، مبارزه برای عدالتخواهی، چنددستگی بین مردم هندوستان، ساده‌زیستی گاندی، آتش‌زدن پارچه‌های کشور بیگانه (بریتانیا) |
| داشتن ایدئولوژی | حق خواهی، ظلم‌ستیزی، مقاومت، خطرپذیری، نوع دوستی، مقاومت و مبارزه، تجمع مردم در خیابان‌ها و سنگ انداختن به مأموران به نشانه‌ی اعتراض به حق و حقوق خود، هدف گاندی رسیدن به عدالت و حقوق مساوی هندوها با سفیدپوستان، منقاد کردن گروه‌های مبارز هندی برای اعمال صلح‌جویانه، پایبندی به اصول و قوانین عدالت، هم‌نشین شدن با مردم فقیر |
| شیوع گرایش مسلحانه در شرایط سخت‌گیری دولت | بی‌اعتمادی به دولت و قوانین موجود، آتش‌زدن شناسنامه توسط گاندی، کشته شدن تعداد زیادی از مردم در پی رسیدن به هدف خویش |
| ساختار و نحوه سازماندهی | صحبت کردن گاندی در بین سیاه‌پوستان و آگاه کردن آن‌ها از حقوق سیاه‌پوستان، شعار سر دادن سیاه‌پوستان بر علیه دولت بریتانیا، یک‌صدا شدن مردم با گاندی و هدف گاندی |
| تعهد و الزام | لزوم پیوستن همه هندوها به آزادی هندوستان از تحت استعمار انگلستان، پافشاری گاندی حتی برای عضویت تمامی اعضا، |
| عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره | عضوگیری شخصی گاندی و پافشاری شخصی برای پیوستن به جنبش و آزادی هندوستان |
| حریفان واقعی یا تصنیی برای ترویج و رشد جنبش | مقاومت در مقابل سفیدپوستان، گرفتن هندوهای معترض توسط پلیس و زندانی کردن و ضرب و شتم آن‌ها |
| هویت ما محور | ارزش قابل نشدن به هندوها که عامل اتحاد هندوها شد |
| تقی وضع موجود | افزایش اعضا، مساحبه با مطبوعات برای بیان دیدگاه‌ها و اهداف خویش (هندوها)، سیاهان هندی قربانیان سفیدپوستان، مورد نفرت سفیدها، حبس و زندانی‌های ظالمانه، هندوها نمی‌توانند با اروپاییان در پیاده‌رو راه بروند. |
| مخالفت با رفتارهای خشونت‌آمیز | تأکید بر اقدام صلح‌جویانه بر علیه دولت بریتانیا |
| محرومیت نسبی | دستیابی غیرممکن سیاهان هندی به امتیازات اجتماعی بالا، وکالت، کارهای رسمی دولتی، درآمد و اقتصاد، پراکنده کردن خانواده‌های سیاهان به‌عنوان مجازات سرکشی و قصور فرمان‌برداری، زنان سفید و ... سیاهان هندوستانی محسوب نمی‌شوند، چیزی بنام دموکراسی برای هندوها وجود خارجی ندارد. |
| تهاجمی و تدافعی (جنبش اقلیت) | حمله با پرتاب سنگ به پلیس و مزدوران دولت بریتانیا و تحمل و انعطاف در مواقع ضعف و نوبایی جنبش |
| جنبش رادیکال و جنبش تفاوت | دعوت از تمام هندوها برای شورش علیه دولت برای گرفتن حق و حقوقشان، آتش‌زدن شناسنامه توسط گاندی، درخواست گاندی از مردم برای اعتصاب عمومی، تأکید بر اقدام صلح‌جویانه بر علیه دولت بریتانیا |
| فعالیت گسترده گروه‌های حاشیه‌ای | جمعی شدن حرکت در اکثر صحنه‌های فیلم، قدرت گرفتن هندوها زیر حمایت زنان و عمل دسته جمعی، منقاد کردن هندوها |

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره شصت و هشتم، بهار ۱۴۰۰

| | |
|---|--|
| برای عدالتخواهی، جمع کردن مردم در یک مکان | پیوستن زنان به جنبش و نقش حمایت روانی |
| با حضور زنان گرایش غیرمسلحانه آن | همه نقش برابر و آزادی عمل دارند. حرکت‌ها غیر رسمی و چهره به چهره و بر اساس نیت دوستانه و منافع مشترک، قبل از این هندوها مجبور و متکلف بودند به اطاعت و فرمانبرداری و محکوم به زندان و حبس انفرادی و کشت و کشتار و تجاوز. جنبش گاندی حق اعتراض را به وجود آورد، انتقاد، فریاد آزادی و ارزشمندی و ظلم‌ستیزی را ایجاد می‌کند هیچ قانونی را نقض نمی‌کند و جنبشی دموکرات است، زندانی کردن گاندی |
| بازنگری در قواعد رایج بازی سیاسی | مقاومت سرسختانه و تحدید سیاستمداران منفعت‌طلب، به پلیس دستور می‌دهد و نمی‌هراسد و با تمام شجاعت و دلیری حق خواهی می‌کند و ظلم‌ستیزی می‌کند. برای اولین بار یک سیاه‌پوست هندی با چنین قدرتی با سفیدها در افتاده است. |
| ایجاد انجمن‌ها و ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص | ایجاد دفتر جنبش و پوشی برای مبارزه و حق خواهی هندوها |
| جلسه برای تبادل نظر و برنامه‌ریزی برای جنبش، سخنرانی‌ها و افتتاح مداوم و مکرر جلسات و رسانه‌ای کردن سخنرانی‌های گاندی | میتینگ‌های عمومی |
| پیاده‌روی سراسری، راهپیمایی، شعار ما عدالت می‌خواهیم، صحبت کردن به مردم در مورد هندوها | رژه‌های رسمی |
| جلسات شبانه و تلاش برای افزایش بیش از پیش اعضای و گسترش حوزه فعالیت جنبش | شب‌زنده‌داری‌ها، |
| تسلیم نشدن، اکثریت هندوها به جنبش پیوسته و با گوشت و پوست و خون در جهت تحقق اهداف جنبش فعالیت می‌کنند. حمایت مردم از گاندی، مصاحبه با انواع مطبوعات، پیروزی در دادگاه | (اکثریت) عمل می‌کنند |
| گرفتن گاندی و زندانی کردن او توسط پلیس بخاطر شورش کردن و برهم زدن شهر، درگیری مسلحانه سیاه‌پوستان با دولت بریتانیا | کشتن تاج‌می |
| تلاش عمومی پایدار و سازمان‌یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات هدف | پوش |
| ارزش قایل نشدن دولت به حرف‌های سیاهان هندی، مورد قبول شدن گاندی به‌عنوان رهبر جنبش در بین مردم، تبدیل شدن گاندی به چهره‌ی برجسته و ملی، استقبال مردم هند از گاندی | ارزشمندی |
| مقاومت در مقابل سرکوب؛ از خودگذشتگی، اعلام همبستگی و حمایت مردم از گاندی | تعهد |
| حمایت یا مخالفت در خصوص کشت‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش | برنامه |
| متذیبان (سیاهان هندی) نیرویی واحد را تشکیل دادند و با یکدیگر متحد شدند | هویت |
| تأکید بر پیوندها و تشابهات کنگران جنبش گاندی با دیگر کنگران سیاسی | جایگاه |
| مقاومت و ایستادگی بدون جنگ امکان‌پذیر است و می‌توان بدون هیچگونه جنگی متجاوزان را سرکوب کرد. | پیامدهای جنبش |

نشانه‌شناسی فیلم نلسون ماندلا (راه طولانی آزادی): این فیلم تصویری واقعی و قانع‌کننده از رهبری ارائه می‌دهد که هر زجر و شکنجه‌ای را به اسارت ترجیح می‌دهد، چنان‌که در جلسه دادگاه جمله معروف خود را به زبان می‌آورد: «در هر حال در راه آزادی و حقوق انسانی مبارزه می‌کنم و آماده‌ام به‌خاطر آن از جانم بگذرم.» فیلم تصویری واقعی و قانع‌کننده از رهبری ارائه می‌دهد که هر زجر و شکنجه‌ای را به اسارت ترجیح می‌دهد، چنان‌که در جلسه دادگاه جمله معروف خود را به زبان می‌آورد: «در هر حال در راه آزادی و حقوق انسانی مبارزه می‌کنم و آماده‌ام به‌خاطر آن از جانم بگذرم» او در طول ۲۷ سال زندان که بیش‌تر آن را در یک سلول در جزیره‌ی روبن سپری کرد، زندگینامه‌ی خود تحت عنوان «راه طولانی آزادی» را نوشت.

جدول شماره (۴): نشانه‌شناسی فیلم نلسون ماندلا (راه طولانی آزادی)

| نام فیلم: نلسون ماندلا (راه طولانی آزادی) | ویژگی‌ها |
|---|---|
| نشانه‌شناسی (نمایه، شمایل، نماد) | |
| تلاش برای عضوگیری، افزایش متحدان از طریق سخنرانی‌ها حتی زمانی که در زندان بود، تلاش برای کسب قدرت از طریق یادگیری، چانه‌زنی و بحث برابری، حق خواهی محتمل‌تر، کسب قدرت با زدن گاندی، ایجاد رابطه با دوستان خود | مشخص بودن اهداف |
| جلسات متعدد با اعضا و دوستان خود، برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف خویش، یکی شدن سیاه‌پوستان و سوار اتوبوس نشدن، دست گرفتن اعلامیه‌ها و پخش کردن آن‌ها برای پیوستن به سیاه‌پوستان، | داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمان‌یافته برای موقعیت‌های عادلانه‌تر |
| حق خواهی، ظلم‌ستیزی، مقاومت، خطرپذیری، نوع‌دوستی، مقاومت و مبارزه، باره کردن اعلامیه توسط دولت، تجمع مردم در خیابان‌ها و سنگ انداختن به مأموران به نشانه‌ی اعتراض به حق و حقوق خود، صبر و استقامت در زندان | داشتن ایدئولوژی |

بازنمایی و ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

| | |
|--|---|
| صحت کردن ماندلا در بین سیاه‌پوستان و آگاه کردن آن‌ها از حقوق سیاه‌پوستان، شعار سر دادن سیاه‌پوستان بر علیه سفیدپوستان | ساختار و نحوه سازماندهی |
| لزوم پیوستن همه سیاه‌پوستان به کنگره ملی آفریقا که طرفدار حق رأی مساوی سیاهان و سفیدپوستان است، پافشاری ماندلا حتی برای عضویت تمامی اعضا، تأکید بر تعهد و سعی و تلاش، تأکید بر باهم بودن و در کنار هم بودن، اقدام به بمب‌گذاری و تخریب اماکن دولتی | تعهد و الزام |
| عضوگیری شخصی ماندلا و پافشاری شخصی برای پیوستن به جنبش، تهیه گزارشی از اعضا گروه، پخش اعلامیه برای پیوستن به سیاه‌پوستان، استفاده از چهره‌های شاخص و معروف برای رساندن حرف‌های خودشان به دولت | عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره |
| مقاومت در مقابل سفیدپوستان، گرفتن سیاه‌پوستان معترض توسط پلیس و زندانی کردن و ضرب و شتم آن‌ها، پخش اعلامیه برای پیوستن سیاه‌پوستان بر علیه سفیدپوستان | حریفان واقعی یا تصنیفی برای ترویج و رشد جنبش |
| ارزش قایل نشدن به سیاهان که عامل اتحاد سیاهان شد | هویت ما محور |
| افزایش اعضا، مصاحبه با مطبوعات برای بیان دیدگاه‌ها و اهداف خویش (سیاه‌پوستان)، سیاهان قربانیان سفیدپوستان، مورد نفرت سفیدها، حبس و زندانی‌های ظالمانه، اعتراض مسالمت‌آمیز سیاه‌پوستان بر علیه دولت، اعتراض به حق خویش توسط سیاه‌پوستان | نهی وضع موجود |
| تأکید بر اقدام صلح‌جویانه بر علیه دولت و سفیدپوستان | مخالفت با رفتارهای خست‌آمیز |
| دستیابی غیر ممکن سیاهان به امتیازات اجتماعی بالا، وکالت، کارهای رسمی دولتی، درآمد و اقتصاد، پراکنده کردن خانواده‌های سیاهان به عنوان مجازات سرکشی و قصور فرمان‌برداری، زنان سفید و... سیاهان امریکایی محسوب نمی‌شوند با اینکه در امریکا به دنیا آمده‌اند. چیزی بنام دموکراسی برای سیاهان وجود خارجی ندارد | محروریت نسبی |
| حمله با پرتاب سنگ به پلیس و مزدوران دولت و تحمل و انعطاف در مواقع ضعف و نوبایی جنبش | تهاجمی و تدافعی (جنبش اقلیت) |
| جمعی شدن حرکت در اکثر صحنه‌های فیلم، قدرت گرفتن سیاه‌پوستان زیر حمایت زنان و عمل دسته جمعی، مصاحبه مردم با رسانه‌ها و گفتن دیدگاه‌ها و اهداف خودشان، سیاه‌ها به عنوان زن ناقص و ناپاک عنوان می‌شوند | فعالیت گسترده گروه‌های حاشیه‌ای |
| همه نقش برابر و آزادی عمل دارند. حرکت‌ها غیررسمی و چهره به چهره و بر اساس نیت دوستانه و منافع مشترک، قبل از این سیاهان مجبور و مکلف بودند به اطاعت و فرمانبرداری و محکوم به زندان و حبس انفرادی و کتک و کشتار و تجاوز. جنبش ماندلا حق اعتراض را به وجود آورد، انتقاد، فریاد آزادی و ارزشمندی و ظلم‌ستیزی را ایجاد می‌کند هیچ قانونی را نقض نمی‌کند و جنبشی دموکرات است | ساختاری متفاوت از ساختارهای سلسله‌مراتبی متعارف |
| مقاومت سرسختانه و تحدید سیاستمداران منفعت‌طلب، به پلیس دستور می‌دهد و نمی‌هراسد و با تمام شجاعت و دلیری حق‌خواهی می‌کند و ظلم‌ستیزی می‌کند. برای اولین بار یک سیاه با چنین قدرتی با سفیدها در افتاده است | بازتگری در قواعد رایج بازی سیاسی |
| با پیوستن زنان من جمله همسر ماندلا به جنبش ایجاد جنبش گسترده‌تر می‌گردد | با حضور زنان گرایش غیرمسلحانه آن بیشتر می‌شود |
| ایجاد دفتر جنبش و پوششی برای مبارزه و حق‌خواهی سیاهان از سفیدپوستان | ایجاد انجمن‌ها و ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص، |
| جلسه برای تبادل نظر و برنامه‌ریزی برای جنبش، سخنرانی‌ها و افتتاح مداوم و مکرر مساجد و جلسات و رسانه‌ای کردن سخنرانی‌های ماندلا، سخنرانی در دادگاه و دفاع از اهداف و آزادی سیاه‌پوستان | میتینگ‌های عمومی، |
| پیاده‌روی سراسری، راهپیمایی، شعار ما عدالت می‌خواهیم | رژه‌های رسمی |
| جلسات شبانه اتحادیه و تلاش برای افزایش بیش از پیش اعضا و گسترش حوزه فعالیت جنبش | شب‌زنده‌داری‌ها، |
| تسلیم نشدن، اکثریت سیاهان به جنبش پیوسته و با گوشت و پوست و خون در جهت تحقق اهداف جنبش فعالیت می‌کنند | (اکثریت) عمل می‌کنند؛ |
| دعوت از تمام سیاه‌پوستان برای شورش علیه سفیدپوستان و دولت برای گرفتن حق و حقوقشان | جنبش رادیکال و جنبش تفاوت |
| گرفتن ماندلا و زندانی کردن او توسط پلیس بخاطر شورش کردن و برهم زدن شهر، درگیری مسلحانه سیاه‌پوستان با حکومت | کنش تهاجمی |
| تلاش عمومی پایدار و سازمان‌یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات هدف | پوش |
| ارزش قایل نشدن دولت به حرف‌های سیاه‌پوستان، مورد قبول شدن ماندلا به عنوان رهبر جنبش در بین مردم، تبدیل شدن ماندلا به چهره‌ی برجسته و ملی، نماد شدن همسر ماندلا در بین سیاه‌پوستان، توهین به نژادپرستان، بی‌اعتنایی به سیاه‌پوستان در دادگاه و قضاوت قاضی | ارزشمندی |
| مقاومت در مقابل سرکوب؛ از خودگذشتگی، اعلام همبستگی و حمایت مردم از ماندلا، آزاد کردن ماندلا رهبر شورشی توسط مردم از زندان | تعهد |
| حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش | برنامه |
| متعین (سیاه‌پوستان) نیرویی واحد را تشکیل دادند و با یکدیگر متحد شدند | هویت |
| تأکید بر پیوندها و تشابهات کنشگران جنبش ماندلا با دیگر کنشگران سیاسی | جاذبه |
| اگر در راه آزادی مقاومت کنی و هر نوع شکنجه را تحمل کنی در نتیجه به آزادی می‌رسی | پیامدهای جنبش |

نشانه‌شناسی فیلم: درباره چه؛ چه‌گوارا پزشک، چریک، سیاست‌مدار، نظریه‌پرداز جنگی و انقلابی مارکسیست زاده‌ی آرژانتین و یکی از شخصیت‌های اصلی انقلاب کوبا بود. به‌عنوان یک دانشجوی جوان پزشکی گوارا سراسر آمریکای جنوبی را سفر کرده و پس از مشاهده فقر، گرسنگی و بیماری روحیه مبارزه در وی پدیدار گشته بود. در حالی که تمایل او برای کمک به سرنگون کردن آنچه او استثمار سرمایه‌های آمریکای لاتین توسط ایالات متحده آمریکا می‌دانست، رو به فزونی بود، بر آن شد تا در اصلاحات اجتماعی گواتمالا تحت ریاست جمهوری خاکوبو آربنز همراه شود، اما طولی نکشید که وی توسط سازمان سیا به‌دستور کمپانی یونایتد فروت در طی یک کودتا از سمتش مجبور به کناره‌گیری شد و همین جریان به نقطه عطف شکل‌گیری ایدئولوژی‌های سیاسی گوارا بدل گشت. در مکزیکوسیتی با راتول و فیدل کاسترو دیدار کرد و به جنبش ۲۶ ژوئیه آن‌ها پیوست و با کشتی گرنا با هدف سرنگون کردن دیکتاتور کوبایی فولخنثیو باتیستا که مورد حمایت ایالات متحده بود، عازم سفر دریایی به کوبا شد. در طی دو سال مبارزات پیروزمندانه چریکی شورشیان علیه باتیستا ایفا کرد که در نهایت به سرنگونی رژیم باتیستا انجامید. چه‌گوارا در سال ۱۹۶۵ میلادی کوبا را به قصد صدور انقلاب ترک کرد، تلاش او ابتدا در کنگو - کینشازا و سپس در بولیوی ناکام ماند و در نهایت در همان‌جا توسط نیروهای نظامی بولیوی با کمک «سازمان سیا» دستگیر و به سرعت تیرباران شد.

جدول شماره (۵): نشانه‌شناسی فیلم: درباره چه

| ویژگی‌ها | نام فیلم: درباره چه |
|--|---|
| | نشانه‌شناسی (نمابه، شمایل، نماد) |
| مشخص بودن اهداف | تلاش برای عضوگیری بیش از پیش، افزایش متحدان، کسب قدرت، چانه‌زنی در مقام برابر، حق خواهی محتمل تر، کسب قدرت بازدارندگی و ... |
| داشتن برنامه و رفتار جمعی سازمانیافته برای موفقیت‌های عادلانه‌تر | تلاش برای عضوگیری، افزایش متحدان از طریق سخنرانی‌ها و ملاقات‌های رودررو، تلاش برای کسب قدرت از طریق یادگیری، چانه‌زنی و بحث برای، حق خواهی محتمل تر، کسب قدرت بازدارندگی و ... |
| داشتن ایدئولوژی | پابندی به اهداف، برنامه‌ها و ارزش‌های جنبش تا سر حد مرگ، کشته شدن اعضا برای رسیدن به هدف خویش، جلسات متعدد با اعضا و نیروهای خود، برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف خویش |
| ساختار و نحوه سازماندهی حرکات خودجوش و غیررسمی | عدالت خواهی، ایجاد عدالت و برخورد با اعضا خاطی خویش، مبارزه برای ایجاد عدالت، آزادی، برابری، حق خواهی، ظلم‌ستیزی، مقاومت، خطرپذیری، نوع دوستی، مقاومت و مبارزه برای رسیدن به هدف خویش، تسلیم‌ناپذیری، ارزش قابل شدن بر اعضا خویش حفاظت از ارزش‌های خود و گروه |
| تعهد و الزام | عمل دسته‌جمعی به رهبری چه‌گوارا با افزایش قلمرو و قدرت نفوذ جنبش |
| عضوگیری بر اساس روابط شخصی و چهره به چهره | تسلیم نشدن، مبارزه تا سر حد مرگ، تحمل بدترین شرایط و سختی، دوری از خانه و فرزندان، تعصب در زندان و سازش‌ناپذیری در جهت دستیابی به اهداف. شیوع سریع و همه‌گیری جنبش به واسطه‌ی فشار دولت ایالات متحده بر دولت کوبا |
| حریفان واقعی یا تصنعی برای ترویج و رشد جنبش | پیوستن مردم به جنبش چریکی چه‌گوارا، محبوبیت چه‌گوارا در بین مردم |
| هویت ما محور | به منافع تمام مردم کوبا می‌اندیشند. به آینده مردم کوبا و برابری‌ها، دسته‌جمعی عمل می‌کنند |
| نقی وضع موجود | کشاورزان حق مالکیت بر دستمزد خودشان ندارند و برای زمین‌هایشان مالیات می‌پردازند، وضعیت زندگی فقیرانه کشاورزان نشان سختی و نامناسب بودن شرایط کار است |
| مخالفت با رفتارهای خضوت‌آمیز | اعتراض و ایستادگی و دفاع از مردم کوبا، انتقاد از قدرت و توزیع ناعادلانه‌ی قدرت، سخنرانی در جلوی مردم و همچنین در جلوی دوربین برای مردم در مورد وضعیت نامناسب معیشتی مردم. سخنرانی در بین جوامع ملل و گفتن ارزش‌ها |
| محرومیت نسبی | دستیابی غیرممکن کشاورزان به غذای مناسب و درآمد کافی چرا که مأموران ایالات متحده تمام پول و غذاهای کشاورزان را به‌عنوان مالیات از آن‌ها می‌گیرند |

بازنمایی و ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

| | |
|--|---|
| چه‌گوارا می‌گوید عمل، نه حرف. حرکت چریکی دسته جمعی تا سر حد درگیری با نیروهای مخالف، جراحت و اسیر شدن به دست نیروهای مخالف، مبارزه و تسلیم نشدن، درگیری مصلحانه، اکثریت کشاورزان به جنبش چریکی می‌پیوندند | (اکثریت) عمل می‌کنند |
| حمله با پرتاب سنگ به پلیس و مزدوران دولت کوبا و تحمل و انعطاف در مواقع ضعف و نوبایی جنبش پیوستن گروه‌های کارگری جوانان به جنبش چریکی، به دستور چه‌گوارا عده‌ای که تشنگ ندارند آموزش کار با اسلحه را یاد می‌گیرند، عده‌ای که سواد ندارند آموزش سواد می‌بینند، جمع‌آوری اسلحه و مهمات، مجیز کردن اعضا به مهمات و اسلحه، تقویت مهارت‌های سیاسی به اعضا تازه‌وارد به جنبش | تهاجمی و تدافعی (جنبش اقلیت) فعالیت گسترده گروه‌های حاشیه‌ای |
| اطاعت از رهبران جنبش، مقاومت در جنبش با از جان گذاشتگی. آزادی عمل پیرو این جمله‌ی چه‌گوارا «آزادی کوبا و شعار وطن یا مرگ». | ساختاری متفاوت از ساختارهای سلسله مراتبی متعارف |
| بی‌اعتمادی به دولت و قوانین موجود | شیوع گرایش مصلحانه در شرایط سخت‌گیری دولت |
| به حمایت جمعی و به تشکیلات خود امیدوارند. همبازی هم حرکت می‌کنند. تسلیم نمی‌شوند و درست از مبارزه تشکیلاتی نمی‌کشند | اتکای فرآیندها به قواعد بازی قدرت اجتماعی با رویکرد مدنی دموکراتیک |
| دعوت از تمام کشاورزان و مردم کوبا برای شورش. ترجیح می‌دهم شورشی باشم تا برده. شروع به مبارزه مصلحانه و حرکت‌های تخریبی و انفجار | جنبش رادیکال |
| با پیوستن زنان به جنبش ابعاد جنبش گسترده‌تر می‌گردد | با حضور زنان گرایش غیرمصلحانه آن بیش‌تر می‌شود |
| مخالفت اعضای جنبش با مقامات دولت کوبا و دولت ایالات متحده، ما مردمان کوبا قدرت این را داریم که سرنوشت خودمان را خود تعیین کنیم، تلاش دولت برای سرکوب اعتراض‌کنندگان، مقامات دولت کوبا به آمریکا باج داده و در آن کشور سرمایه‌مداری می‌کنند، مخالفت با حکومت آمریکا در کوبا، گرفتن پادگان نظامی دولت برای اثبات قدرت خویش، در اختیار گرفتن کل شهر چه‌گوارا در شهر با استقبال مردم مواجه می‌شود، رسانه‌ای کردن هدف خویش، اعتراض افسار مختلف و خواستار پیوستن به گروه | کسب قدرت برتر به منظور غلبه و بهره‌مندی از امکانات بیشتر، موقعیت بهتر و یا دفع سلطه ایجاد انجمن‌ها و ائتلاف‌های دارای مقاصد خاص |
| دیدار با افراد مختلف و احزاب برای حمایت از اهداف خویش، مصاحبه با روزنامه و مطبوعات برای آگاه ساختن مردم از هدف خویش، جلسات مداوم تشکیل می‌دهند و مدام برای آزادی کوبا و رسیدن به این هدف نقشه و برنامه‌ریزی می‌کنند | میتینگ‌های عمومی |
| دعوت به گردهمایی و سخنرانی، سخنرانی‌های رهبران جنبش در جنگل، یادبود برای جان‌باختگان جنبش که در حین جنبش توسط مأموران حکومت کوبا کشته می‌شوند، حمایت از آسیب‌دیدگان جنبش | رژه‌های رسمی |
| تلاش عمومی پایدار و سازمان‌یافته برای طرح ادعاهایی در مقابل مقامات هدف | پوش |
| ارزش قایل نشدن دولت به حرف‌های کشاورزان و زمین‌داران، مورد قبول شدن چه‌گوارا به‌عنوان رهبر جنبش در بین مردم | ارزش‌مندی |
| مقاومت در مقابل سرکوب؛ از خودگذشتگی، اعلام همبستگی و حمایت مردم از جنبش چریکی | تهدید |
| حمایت یا مخالفت در خصوص کنش‌های واقعی یا فرضی اهداف ادعاهای جنبش | برنامه |
| مدعیان (زمین‌داران و کشاورزان) نیرویی واحد را تشکیل دادند و با یکدیگر متحد شدند | هویت |
| تأکید بر پیوندها و تشابهات کنشگران جنبش چه‌گوارا با دیگر کنشگران سیاسی | جایگاه |
| در راه رسیدن به آزادی باید مبارزه کرد و با تلاش متوان به هدف رسید اگرچه در این راه جان‌ت را هم از دست بدهی | پیامدهای جنبش |

بحث و نتیجه‌گیری

در فیلم شجاع‌دل که داستان فیلم با محوریت نقش رهبری ویلیام والاس است، ما تصویر مردی را در نمایی از فیلم داریم که رهبر جنبش است و اعضای جنبش را رهبری می‌کند. رهبری در این اثر رکن اصلی داستان است و مسائلی که در روند داستان شکل می‌گیرد به‌گونه‌ای مشکلات اعضای جنبش و چگونگی رهبری اعضای جنبش هستند که در آن نقش در آن فیلم با آن روبرو می‌شوند. داستان مردی که از میان روستاییان است و تحت حاکمیت انگلستان و زورگویی حاکمان است و مورد آزار و اذیت حاکمان و ارتش انگلیس است را شرح می‌دهد. مردی که در ابتدای امر به‌صورت اتفاقی درگیر جریان جنبش و انقلاب با ارتش انگلیس می‌شود، اما پس از مشاهده واکنش خشونت‌آمیز حاکمان و ارتش انگلیس، به‌عنوان مبارزی جدی مشغول به‌کار می‌شود و بعد از تحمل سختی‌های فراوان سرانجام به هدف خود یعنی آزادی مردمان از حاکمان انگلیسی می‌رسد.

در فیلم گاندی، ماهاتما گاندی یک وکیل است و حس مبارزه‌جویی دارد و بلیط درجه‌ی یک قطار دارد در میان راه او را از قطار بیرون می‌اندازند، اتفاقی که برای تمام هندی‌ها می‌افتاد اما کسی به این وضع اعتراضی نداشت. حتی مسلمان هندی تاجری که در آفریقای جنوبی دارای ثروت هنگفتی بود از این مسئله ناراحت نبود، بعد از صحبت‌های گاندی این تاجر مسئولیت و ساپورت مالی و امکاناتی گاندی را برای یک جنگ به قول خود گاندی به عهده می‌گیرد. در ابتدای حرکت آن‌ها گذرنامه‌هایشان را می‌سوزانند که باعث تمایز بین هندی‌ها و انگلیسی‌ها بود، و همین امر نیز باعث مشهور شدن گاندی و به راه انداختن جنبش او شد.

در فیلم راه طولانی به آزادی فیلم به جریان جنبش در آفریقای جنوبی می‌پردازد. فیلم داستان فعالان سیاسی سیاهان است که استراتژی‌های مدنی و بی‌خشونت را به کار می‌گیرند تا سیاهان را برای جنبش بسیج کنند، شورش و راهپیمایی راه بیندازند، زندان بروند، و سرانجام به هدف خود برسند. فیلم تصویری واقعی و قانع‌کننده از رهبری ارائه می‌دهد که هر زجر و شکنجه‌ای را به اسارت ترجیح می‌دهد، چنان که در جلسه دادگاه جمله معروف خود را به زبان می‌آورد: «در هر حال در راه آزادی و حقوق انسانی مبارزه می‌کنم و آماده‌ام به‌خاطر آن از جانم بگذرم.» او در طول ۲۷ سال زندان که بیشتر آن را در یک سلول در جزیره‌ی روبن سپری کرد و زندگینامه‌ی خود تحت عنوان «راه طولانی آزادی» را نوشت.

در فیلم چه گوآرا او به‌عنوان پزشک، چریک، سیاست‌مدار، نظریه‌پرداز جنگی و انقلابی مارکسیست زاده‌ی آرژانتین و یکی از شخصیت‌های اصلی انقلاب کوبا بود. به‌عنوان یک دانشجوی جوان پزشکی گوآرا سراسر آمریکای جنوبی را سفر کرده و پس از مشاهده فقر، گرسنگی و بیماری روحیه مبارزه در وی پدیدار گشته بود. در حالی که تمایل او برای کمک به سرنگون کردن آنچه او استثمار سرمایه‌های آمریکای لاتین توسط ایالات متحده آمریکا می‌دانست، رو به فزونی بود، بر آن شد تا در اصلاحات اجتماعی گواتمالا تحت ریاست جمهوری خاکوبو آربنیز همراه شود، اما طولی نکشید که وی توسط سازمان سیا به دستور کمپانی یونایتد فروت در طی یک کودتا از سمتش مجبور به کناره‌گیری شد و همین جریان به نقطه عطف شکل‌گیری ایدئولوژی‌های سیاسی گوآرا بدل گشت. در مکزیکوسیتی با رائول و فیدل کاسترو دیدار کرد و به جنبش ۲۶ ژوئیه آن‌ها پیوست و با کشتی گرَنا با هدف سرنگون کردن دیکتاتور کوبایی فولخنثیو باتیستا که مورد حمایت ایالات متحده بود، عازم سفر دریایی به کوبا شد. در طی دو سال مبارزات پیروزمندانه چریکی شورشیان علیه باتیستا ایفا کرد که در نهایت به سرنگونی رژیم باتیستا انجامید. چه گوآرا در سال ۱۹۶۵ میلادی کوبا را به قصد صدور انقلاب ترک کرد، تلاش او ابتدا در کنگو-کینشازا و سپس در بولیوی ناکام ماند و در نهایت در همان‌جا توسط نیروهای نظامی بولیوی با کمک «سازمان سیا» دستگیر و به‌سرعت تیرباران شد.

بنابراین می‌توان از یک رابطه‌ی دوسویه‌ی کلان بین جامعه و سینما سخن گفت که با استفاده از نظریه‌ی بازنمایی در جامعه‌شناسی هنر قابل دفاع است. یعنی فرآیندی که در طی آن هم جامعه و مسائل

بازنمایی و ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

و مشکلاتش در سینما منعکس می‌شود و هم سینما با ساختن واقعیاتی هر چند در حد تصور عمومی و جهت‌دهی به افکار عمومی در سطح ذهنیت‌ها، بر نگرش‌ها و افکار و بالتبع آن رفتار افراد جامعه، تأثیرگذار است.

این پژوهش بر روی فیلم‌های سینمایی و ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی اتفاق افتاده، انجام گرفته است و هدف از این پژوهش شناسایی تغییرات و تحولات اجتماعی در این آثار می‌باشد. در این پژوهش، مشخص شدن عناصری که در همه فیلم‌ها وجود دارد تغییرات و تحولات و جنبش‌های اجتماعی است و مضمون اصلی فیلم‌های جنبش‌ها دغدغه‌ی هویت و مسائل اجتماعی بوده است. اما میزان و نوع این فیلم‌ها با توجه به اینکه در زمان‌های مختلف انجام شده، متفاوت است. در واقع سینما به‌عنوان یکی از رسانه‌های جمعی که قادر به بازنمایی و ساختن واقعیت‌نماهاست، بر شکل‌گیری و تغییر هویت افراد جامعه مؤثر خواهد بود. در واقع آثار سینماگر مولف به‌عنوان بازنمایی و آئینه‌ی جامعه، هم‌زمان با تغییرات اجتماعی-فرهنگی ایجاد شده در نگرش‌ها و هویت افراد در جامعه‌ی امروز که خود متأثر از تغییر و تحول نقش‌ها مختلف در جامعه و سایر عرصه‌های اجتماعی است. لذا سینما به‌عنوان یک هنر مدرن و «برتر» نسبت به دیگر هنرها «با زمینه اجتماعی‌اش رابطه تنگاتنگی دارد» و از این جهت می‌تواند بازنمایی مسایل و واقعیات زندگی انسانی و شاخصی برای سنجش وضعیت فرهنگی و اجتماعی باشد؛ چرا که سینما به قول بنیامین «از یک‌سوی فهم ضروریات حاکم بر زندگی‌مان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، فضای کنش گسترده و فارغ از انتظاری را برای ما فراهم می‌سازد». از این نظر، مطالعه‌ی سینما به‌عنوان یک عنصر فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند ما را به عمق لایه‌های حیات اجتماعی کنونی‌مان برساند. یکی از این لایه‌های قابل مشاهده در فیلم‌های سینمایی، چنان‌که این پژوهش درصدد پرداختن به آن بود، بررسی تحولات و تغییرات فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی است. چنان‌که فیلم‌های بررسی شده به‌دلیل آن‌که از تاریخ سینمای جنبش‌های اجتماعی انتخاب شده‌اند، حکایت از این روند تغییرات و تحولات اجتماعی در بازنمایی جنبش‌های اجتماعی است.

منابع

- احمدزاده بیانی، احمد. (۱۳۸۲). روان‌شناسی مدیریت، تهران: نشر دانشگاه پیام نور.
- تیلی، چارلز. (۱۳۸۵). از بسیج تا انقلاب، ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی.
- تیلی، چارلز. (۱۳۸۹). جنبش‌های اجتماعی ۱۷۶۸-۲۰۰۴، ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- خوش‌نظر، نادیه. (۱۳۹۰). بازنمایی اسلام در فیلم‌های سینمایی غرب قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر؛ نشانه‌شناسی فیلم‌های محاصره و غیرقابل تفکر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه دانشگاه علامه طباطبایی (ره) دانشکده علوم ارتباطات، استاد راهنما: دکتر محمد مهدی‌زاده، ۱۳۳ ص.

- دلپورتا، دوناتلا؛ دیانی، ماریو. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کبیر.
- رهبری، مهدی. (۱۳۹۳). جنبش‌های اجتماعی، تهران: کویر.
- زاهد، سعید. (۱۳۸۹). جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش و طه.
- زینی، مهری، جلالی پندری، یدالله. (۱۳۸۸). زنان و سیروسلوک عرفانی، پژوهشنامه‌ی زبان و ادب فارسی (گُوهر گویا) سال سوم، شماره‌ی دوم، صص ۲۵-۵۰.
- کرایب، یان. (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست، تهران: آگه.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۷). طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها. در مجموعه مقالات مسایل اجتماعی ایران چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه و انجمن جامعه‌شناسی ایران. صص ۹-۳۴.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش ۲، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- محمد کریمی، شهربانو. (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی جنبش زنان و عوامل مؤثر بر آن مورد کشورهای ترکیه آمریکا و ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، ۹۸۵ ص.
- موریس، آلدن و دیگران. (۲۰۰۱). رهبری در جنبش اجتماعی، ترجمه‌ی ح. ریاحی، بی‌جا.
- مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۳). بازنمایی ایران در مطبوعات غرب، تحلیل انتقادی گفتمان «نیویورک تایمز»، «گاردین»، «لوموند» و «دی رایت» ۱۹۹۷-۲۰۰۰ م، رساله دکتری علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.
- نش، کیت. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

- Debrah Hopkinson & WHO HQ Illustrated by Laurie A. Conley. (2018); What Is the Women's Rights Movement? , October 16, 2018
- Dorothy Sue Cobble. (2005). the Other Women's Movement: Workplace Justice and Social Rights in Modern America (Politics and Society in Modern America) Sep 1, 2005
- Hall, Stuart. (1997). Representation, Meaning and language. In, S. Hall etal. (Eds), Representation and Signifying Practices, London: Sage Publications Ltd.
- Harvey, D. (1989). The Condition of Postmodernity, Cambridge: Basil Blackwell.
- Nancy MacLean (2008). The American Women's Movement, 1945-2000: A Brief History with Documents by Nancy MacLean. Bedford/St. Martins, 2008
- Neil Sutherland, Christopher Land, Steffen Böhm. (2013). Anti-leaders (hip) in Social Movement Organizations: The case of autonomous grassroots groups. First Published June 5.
- Oberschall, A. (1973). Social conflict and social movements, Englewood cliffs, NJ, prentice-hall.
- Sidney Tarrow, Strangers at the Gates. (2012). Movements and States in Contentious Politics. March 26, 2012

بازنمایی ویژگی‌های رهبران جنبش‌های اجتماعی در فیلم‌های سینمایی (شجاع دل، گاندی ...)

- Sharon Nepstad and Clifford Bob. (2006). When Do Leaders Matter? Hypotheses on Leadership Dynamics in Social Movements. *Mobilization: An International Quarterly*: February 2006, Vol. 11, No. 1, pp. 1-22.
- Tilly, C and Sidney Tarrow. (2015). *Contentious Politics*, Sep 15, 2015.
- Tilly, C. (1978). *From Mobilization to Revolution*. Reading MA: Addison Wesley. 1978.